

# جوانان حکمتیست ۱۸

سازمان جوانان کمونیست = حکمتیست

سرمدیر: فواد عبدالمولی foadsjk@yahoo.com

دیر سازمان: بهرام مدرس bahramsjk@yahoo.com



۱۷ دی ۱۳۸۳ - ۱۸ دسامبر ۲۰۰۴ www.sjk-hekmatist.com سه شنبه ها منتشر می شود

## بم، زنده است!

یک سال از وقوع فاجعه دردناک زلزله شهر بم، گذشت. دهها هزار نفر در یک چشم به هم زدن زیر آوار دفن شدند و از شهر چیزی جز تلی از خاک باقی نماند. بازتاب این رویداد ناگوار مردم ایران و کشورهای دیگر را برای کمک به زلزله زدگان بم، بسیج و متحد کرد. جامعه انسانی شاهد رویارویی با یک مصیبت تلخ بود که در آن معنای عمیق همدردی و احساس اشتراک با مردم بم، دوباره تعریف شد. از بیشتر نقاط دنیا نیروی انسانی بسوی بم سرازیر شد. اما جمهوری اسلامی با بیشترین تمام در مقابل این موج انسانی مانع ایجاد کرد. گمگهای رسیده را غارت کرد و در عوض اوباش و اراذل را به جان گرسنگان، بی سرپناهان و سرما زده گان بم انداخت. جمهوری اسلامی مسئول این فاجعه است و خیلی ساده می توانست سرمایه ای را که به حسابهای سران رژیم به خارج می فرستد و پولی را که خرج کله آخوند و حزب الله و اوباش اسلامی میکند، صرف بازسازی نه تنها بم بلکه همه شهرهای ایران کند. مردم بم قربانی فقر و تباهی و بی مسکنی و بی حقوقی رژیم اسلامی شدند.

اما "بم زنده است" و همدردی و کمک به مصیبت زدگان آن نباید فراموش شود. یاد قربانیان بم را در اولین سالگرد این فاجعه با هم گرامی بداریم!

## روزه های تحکیم وحدت!

وحدت از فرط دستپاچگی، به نظامش اخطار می کند، التماس می کند، تئوری می یابد، گاهی غلظت "دموکراسی" اش را بالا می برد و بعضی اوقات حتی از مارکس هم طبق بیانیه بیستم آذرماه هشتاد و سه در "دفاع از اعترافگیری از فعالان مدنی" نیز فاکت می آورد. تحکیم وحدت حق دارد نگران باشد، دارد با زبان "آدمیزاد" به سران اسلامی می گوید که قادر به کنترل و هدایت بازی نیست، دارد زمین بازی را تحویل می دهد. توانایی به بیراهه کشاندن جنبش دانشجویی را بیش از این ندارد. دارد می گوید دستشان رو شده است. به مقایسه جالبی در این نمایش گذاشتند. اما تحکیم

هشدار داده است که نکند شما هم به سیاست "مارکسیست - لنینیست" های شوروی در غلطید و مخالفان خود را به اعتراف گیری و شکنجه کشانید. اگر از این مسئله بگذریم که مارکسیسیم - لنینیسم ربطی به وقایعی که در شوروی گذشت ندارد بلکه ضرورت و نیاز وحشیانه سرمایه داری در روسیه برای رقم زدن سرنوشت آینده آن کشور زیر لوای کمونیسم به اعتراف گیری از مخالفان خود پرداخت، باید از این طفیلی های "دموکرات" پرسید دفاع از کدام مخالفان؟! آنها که در جوار رژیم اسلامی در جرم و جنایت علیه بشریت، رکاب زدند؟ آنها که در برابر قانون توحش



فواد عبدالمولی

دفتر تحکیم وحدت این روزها پشت سر هم بیانیه صادر می کند. در تمام این بیانیه ها بویی از ترس و واهمه احساس می شود. بویی از شکست و واگذاری صحنه به نیروهای آزادیخواه و برابری طلبی که با شعار "آزادی و برابری" در ۱۶ آذر گوشه ای از قدرت خود را به نمایش گذاشتند. اما تحکیم



سنگسار و اعدام و شکنجه زنان، کمونیستها و فعالان سیاسی سکوت کردند؟! یا آنها که در دانشگاهها برای سرکوب و خاموش کردن صدای آزادیخواهی و برابری طلبی ارگان "تحکیم وحدت" را بنا کردند؟! آیا تا الان از خود پرسیده اید که چرا تشکلی غیر از شما و انجمن های اسلامی در دانشگاه های حکومت دهها هزار اعدام، سیلی خود را با شعار آزادی و برابری در گوش حکومت اسلامی حکومت فریادها و نفس های گلو خفه شده، رژیم گورستانهای دسته جمعی و زندانهای مخوف "آشویتس و داخائو" در نمای اوین و گوهردشت و قزل حصار، حق فعالیت علنی ندارد؟! گرچه در دنیای امروز بهترین "دموکرات" کسی است که برای تشبیت و توجیه استثمار و بردگی بشر، به مارکس و لنین حمله کند و با این یورش حق بجانب خود حتی بعد از ۱۵ سال از فروپاشی بلوک، باز فلاکت امروز را به پای آنها بنویسد، اما شما حتی نخواهید توانست به تغییر نیم کلاج رژیم خود بپردازید تا چه رسد به اینکه یز "دموکرات" و فاکت آوردن از مارکس را به خود بگیریید. ترس

شما از بحران لاعلاجی است که کلیت نظام اسلامی تان را در بر گرفته است. بحرانی که با سر به سوی فروپاشی روانه تان می کند. جنبشی که امروز در دانشگاهها به میدان آمده است می رود که زمین بازی را با شعار "آزادی و برابری" مال خود کند. زوزه های تحکیم وحدت دقیقا از دست جنبشی است که در ۱۶ آذر اولین سبیلی خود را با شعار آزادی و برابری در گوش حکومت اسلامی حکومت فریادها و نفس های گلو خفه شده، رژیم گورستانهای دسته جمعی و زندانهای مخوف "آشویتس و داخائو" در نمای اوین و گوهردشت و قزل حصار، حق فعالیت علنی ندارد؟! گرچه در دنیای امروز بهترین "دموکرات" کسی است که برای تشبیت و توجیه استثمار و بردگی بشر، به مارکس و لنین حمله کند و با این یورش حق بجانب خود حتی بعد از ۱۵ سال از فروپاشی بلوک، باز فلاکت امروز را به پای آنها بنویسد، اما شما حتی نخواهید توانست به تغییر نیم کلاج رژیم خود بپردازید تا چه رسد به اینکه یز "دموکرات" و فاکت آوردن از مارکس را به خود بگیریید. ترس

# زنده باد آزادی! زنده باد برابری!



حامد خاکی

Hkhaki50@yahoo.com

بیانیه اخیر دفتر تحکیم وحدت، بیان حال شکست کامل و بسته شدن پرونده شامورتی بازیهای این جریان در دانشگاه است. نشان از وضعیت بحرانی‌شان دارد. شقه شقه شده اند احساس بی هویتی بعد از دوم خرداد نفسشان را گرفته، لاجرم به هر دری میکوبند این بیانیه اما دهن کجی بزرگی به جنبش دانشجویی، اعتراضات و تحركات و خواسته های این جنبش نیز هست.

جبهه مفلوک دوم خرداد دوران پس لرزه های بعد از شکستش را طی میکند و تمام اعوان و انصارش علیرغم همه تلاشهایشان برای جمع و جور کردن خودشان، دارند از هم میپاشند و ذوب میشوند "دفتر تحکیم وحدت" نیز از این قاعده مستثنی نیست و سرنوشت

# دریغ از یک جو شهامت!

(چند کلمه راجع به بیانیه اخیر تحکیم وحدت)

اسلامی و دوم خرداد بخشی از آن و شریک همه پرونده آن است، همین بس "دفتر تحکیم وحدت" بازی را بدجوری دارد پایان میدهد. بهتر است قبول کند که این سالها، سالهای عروج رادیکالیسم و چپ و کمونیسم در دانشگاه و کل جامعه بود آنچه باز بچه شد خود ایشان بودند نه مردم بهتر است قبول کند با این شامورتی بازیها راه به جایی نمیرند عمرشان بسته به پایان خیمه شب بازی دوم خرداد بود و این بحران آخرشان است. بهتر است بیش از این دهن کجی به دانشجویان رادیکال و جنبش آزادیخواه و برابری طلب دانشجویی نکنند.

زنده باد دانشجویان رادیکال و برابری طلب

نخوردند از همان ابتدای این خیمه شب بازی، جنبش دانشجویی به درست تشخیص داد که باید از خاتمی و کل جبهه دوم خرداد به عنوان پنهان ای برای ابراز وجودهای اجتماعی استفاده کند در هیچ اعتراض و تحرکی با فریاد دوم خردادها عقب ننشسته، به اندازه انتظار آنان نخواست، و همیشه دوم خرداد برایش بخشی از حکومتی بوده که هیچ امیدی به تغییرش نیست و سخت دست در کار سرنگونیش است دانشجویان خوب میدانستند که خاتمی یکی از سران جمهوری جنایتکار

میخواهند آنهمه رادیکالیسمی که جنبش دانشجویی از خود نشان داد را با یک چرخش قلم به گلایه ها و ندبه های دوم خردادی تشبیه کنند صرفنظر از اینکه داستان فلاکت جریانات رژیم گمارده ای مانند تحکیم وحدت، را از دانشجو گرفته تا غیر دانشجو همه میدانند، همگان نیز میدانند که ۱۶ آذر حتی در داخل سالن چمران، با همه تمهیدات از قبیلشان و بیرون کردن غیر بسیجیها و غیر تحکیم وحدتیها، باز هم دانشجویان انقلابی و آگاه به کل رژیم نه گفتند در داخل آن سالن، خاتمی را (هو) کردند مورد سوال قرار ندادند به خاتمی یاد آور شدن که باید با کل رژیم گورش را گم کند. ۱۶ آذر از همان سالن چمران تا بیرون و محوطه دانشگاه را شعارهای رادیکال پر کرده بود نه "انتقاد و سوال از رئیس جمهور". دانشجویان نه حالا بلکه از همان ابتدا نیز هیچ گاه فریب دوم خرداد را

همه همبالگهیایش در این جبهه برای آنان نیز رقم خورده است. در این وانفاسی آخر اما، به طرز بسیار مضحکی دارند فریاد میزنند که "تقصیر خاتمی بود، عملکرد متزلزل داشت، ذهنش مشوش بود، اصالت واژه ها را از بین برده و ... و بیشرمانه تر از این، اینکه دارند در برابر چشمان میلیونها انسان، در این عصر ارتباطات، اعتراضات رادیکال دانشجویان در ۱۶ آذر را تقبیح میکنند؛ به خیال خود با عباراتی مانند "انتقاد دانشجویان" و "مورد سوال قرار دادن آقای خاتمی" میشود کلاه سر مردم گذاشت و اظهار کرد که دانشجویان تنها انتقاداتی به خاتمی داشتند و مورد سوالات قرار دادند، وگرنه با تحکیم وحدت و امثالهم که مشکلی ندارند! با اینهمه ناشیگری در تلاشند پرده ساتری بر روی این واقعیت بکشند که ۱۶ آذر اسامال شعارهای آزادی، برابری فضای دانشگاه را پر کرده بود

گروپ جوانان حکمتیست در یاهو:

<http://groups.yahoo.com/javananekomnist>

گروپ جوانان حکمتیست محلی برای پیشبرد اهداف و سیاست های انسانی، مدرن و امروزی است. شما می توانید با پیوستن به این گروپ برای شرکت در بحث و مجادله فعال شرکت کنید. در اینجا می توانید نظرات و تحلیلان را بازگو کنید.

## خاتمی از همان ابتدا حاکمیت را بر گزید!

(در حاشیه بیانیه تحکیم وحدت در مورد اتفاقات ۱۶ آذر)

پوسیده رفراندوم بساط توهم پراکنی را در میان دانشجویان راه بیندازید مسخره تر از این دیگر هیچ جا پیدا نمی شود که رژیم فراندوم برای برکناری خود بگذارد!! جالب است که بیانیه نویسان تازه متوجه شده اند که "خاتمی بین حاکمیت و مردم، حاکمیت را برگزیده است و به نفع نظام کوتاه آمده است". خاتمی از همان روز اول جانب نظام و فلسفه وجودیش حفظ نظام بود مردم از اصلاحات و خاتمی عبور کردند البته شما با تأخیر چند ساله در حال عبور هستید مشکل نه خاتمی بلکه کل جمهوری اسلامی است. شرط هر نوع گشایشی در فضای سیاسی ایران سرنگونی کلیت رژیم اسلامی با نیروی خود مردم است. باید حول شعار آزادی و برابری که چکیده خواسته ها و آمال نسل جوان و کل مردم ایران است همراه شما

هست! یک سر آن خمینی و خامنه ای و بن لادن است سر دیگر آن خاتمی، سروش و شیرین عبادی است. انتظاری بیپوده، که شماها هشت سال به آن دامن زدید مشکل نه خاتمی، بلکه اسلام و قوانین اسلامی حاکم است. خود رژیم است با همه جناحهایش! بیانیه میگویند "خاتمی به دفاع از اصلاحات پرداخت اما مشخص نکرد که اصلاحات مورد نظرش چیست؟" بعد از هشت سال اینها هنوز متوجه نشدند که اصلاحات مورد نظر همان حفظ نظام نا مبارک اسلامی با تمام جوارح سرکوب گرش است خاتمی و پروژه دوخرداد رسالتش نجات رژیم از دست مردم معترض و اضافه کردن به عمر آن بود که به خوبی در کنار توهم پراکنی شما (تحکیم وحدت) نقش خود را ایفا کرد اما هنوز شما از چاله خاتمی بیرون نیامده اید، دوباره میخواستید با طناب

روبه رو خواهند شد. بیانیه از بر خورد تند دانشجویان در ۱۶ آذر گله دارد و می گویند "نهیب های بی پرده دانشجویان به خاتمی، اگرچه بهتر بود که به شکلی منطقی و مدنی ابراز شود" آنچه در سالن چمران گذشت گوشه کوچکی از خواست دانشجویان برای بازخواست و محاکمه سران رژیم می باشد که دیگر از دست مردم و دانشجویان راه گریزی ندارند باید یکی پس از دیگری حتی در حضور رژیم سکه یک پول شوند شکل "منطقی و مدنی" اعتراض همانی بود که دانشجویان در ۱۶ آذر بر سر خاتمی آوردند گفتند "دروغ دیگه بس است" تازه آغاز این تعرض میباشد انتظار و توهم در ادامه بیانیه موج می زند قرار نیست آخوندی که تمام زندگیش دفاع از ارتجاع و قوانین اسلامی دوران جاهلیت است، هم کیشان خود را "اصلاح" کند اسلام همین است که

مردم به خاتمی نه از سر اینکه این آخوند خنده رو پرچمدار حق طلبی مردم شده، بلکه برای عمیق تر شدن شکاف جناحهای رژیم است"، که این طور هم شد انتظار تعدیل رژیم و اسلام "خوش خیم" سرایی بود که آخرین تلفاتش تحکیم وحدتیها می باشند در بیانیه اشاره میکنند "اما دانشجویان نمی دانستند که پس از هفت سال با رئیس دولتی شکست خورده و با کارنامه ای ناموفق روبرو خواهند شد" این البته برای تحکیم وحدت دور از انتظار بوده است، در حالی که جنبش سرنگونی طلبانه مردم و دانشجویی در ۱۸ تیر ۷۸ دو سال پس از انتخاب خاتمی ۶ روز تظاهرات خود رژیم، خاتمی و عوامش (۲ خردادها) را به لرزه در آوردند لطفای بجای دانشجویان بگویند "تحکیم وحدتیها نمی دانستند پس از هفت سال با رئیس دولتی شکست خورده و با کارنامه ای ناموفق



جمال کامانگار

شورای مرکزی تحکیم وحدت طیف علامه طی بیانیه ای به تاریخ بیست و هشت آذر ماه در مورد حضور خاتمی در دانشگاه اظهار نظر کرده اند بیانیه تحکیم وحدت در کنار انتقادی که از خاتمی دارند اما هنوز سوراخ دعا را گم کرده اند همچنان تصور میکنند که خاتمی گویا پرچمدار اعتراض مردم برای آزادی و خلاصی از شر نظام اسلامی بوده است که به وظایفش عمل نکرده است! این توقع فقط برای آن بخش متوهم اپوزسیون داخل و خارج رژیم ممکن بود که خاتمی میتواند محصل تغییر نظام اسلامی کمی "اهلی تر" باشد ما از همان روز اول گفتیم: "رای"

# از دخمه ها باید بیرون آمد!

محمد فتاحی

fatahi100@yahoo.com



هفته گذشته مطلبی داشتم با عنوان درسهای یک اقدام انسانی علی راستین از کادرهای حکمتیست و رفقای دیگری برآیم نوشتند که من از واقعه اطلاعات کافی ندارم و البته درست گفته اند: علی راستین از نظر من روشترین توضیح را داده است و من ابتدا نوشته مختصر ایشان را میآورم که چنین نوشته است:

”جهت اطلاع شما بگویم که جنبش دانشجویی عدالتخواه چیزی هست که بسیجیان علمش کرده اند و ما قطعا که نمی توانیم برای این اقدام بشر دوستانه از سوی بسیجیان دلاورمان کف و سوت و یا احيانا صلوات حواله کنیم به نظر من بطور کلی ما باید این ها را افشا کنیم باید همان برخوردی را بکنیم که من با فیلم ده نمکی در نقد فحشا کردم باید به جامعه بگویم که برادران بسیجی خودشان بازوی پر قدرت رژیم می هستند که فرآورده اش فقر و فاصله طبقاتی و نتیجتا کارتون خوابی و جان دادن انسان ها در خیابان های شهر است. باید به خود همین بسیجیان غیورمان بگویم همین بودجه بسیج و حوزه جهلیه و بنیاد و آستان قدس و صد دزدخانه دیگر هست که این وضع را درست کرده است. باید به همین برادران هم گوشزد کنیم که با بودجه بسیج می توان برای همه آپارتمان درست کرد باید پeshان بگویم که ادا و اصول در نیابردن و اشک تماش نریزند خودشان بانی فقرند باید پeshان بگویم که لطف کنند و گورشان را کم کنند و دست از سر مردم بردارند و از همه مهمتر به کمونیست ها بگویند که از دخمه های تئوریک بیرون بیایند و خودشان سازمانده این کار شوند“ (علی راستین)

طبعاً همانطوریکه علی راستین میگوید من از این تشکل بی خبر بودم من در مطلب شماره قبل این نشریه اقدام آنها را استودم و درسهایی که می شد گرفت، از نظر خودم گفتم: حالا که میدانم قضیه چیست، به جای رفتن سراغ ایراد کار خودم، نکاتی دارم در توضیح آخرین جمله طلایی علی راستین.

صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه پرتاب نمیکند، باید پرت شود دور. مگر قرار بود مارکسیسم ابزار تغییر باشد یا ابزار بحث؟ قرار بود کمونیسم یک جنبش باشد یا سلسله ای بحث و جدل بیخود فکری برای سرگرمی؟ قرار بود کمونیستها در جامعه تغییر ایجاد کنند یا محافل بی خاصیت دایر کنند و برای هم یز دهند که مشغول سیاست اند؟

رفقای من! هزار محفل مطالعاتی دایر کنیم، هزار جمع بحث و جدل اندر اهمیت کمونیسم و مارکسیسم و انقلاب آماده نمیدانند، باید بدانند که بخته است، در اعتراض اجتماعی بخته است، در سازماندهی مردم بخته است، و در انقلاب و کسب قدرت هم بخته است، نه فردا که همین امروز بخته است، همین امروز جای یک کمپین برای آزادی زندانیان خالی است، کمپینی که جنجال ایجاد میکند، طومار جمع میکند، علیه سنگسار و اعدام میباشند و برای حقوق مردم سر و صدایی راه میداند فردا اگر شیرین عبادی و آن دیگری سر همین موضوعات کمپین راه انداختند، ما محق نیستیم لم دهیم و کارمان را نقد راست روی های آنها تعریف کنیم چپ باید در کمپین و تحرک و اعتراض برای کوچکتترین و جزئی ترین حق و حقوق و اصلاحات هم رهبر و همه کاره باشد این تقسیم بندی که کار ما انقلاب است و کار دیگران مبارزه برای اصلاحات است، گمراه کننده است، ما همزمان هم برای جزئی ترین اصلاحات در زندگی مردم کار میکنیم هم برای تقویت صف انقلاب خود، انقلاب کمونیستی.

رفقای من! همه میدانند که ایران آستن تحولات عظیم است، ولی برای کمک به ایجاد تحول دلخواه چپ همین امروز باید بیرون خرید، باید جامعه را همین امروز فتح کرد اینکه میگویم آژیتاسیون نیست، کسی که امروز یعنی زمانی که جمهوری اسلامی در حیات است، میخ خود را در وقایع همین امروز نکیبده است، و مردم را علنا در ابعاد صدها هزار نفره در انواع سازمان و نهاد علنی و مخفی به دور خود سازمان نداده است، فردا که جمهوری اسلامی میروند سهم او خریدن در محفل است. پیام علی راستین را اصلاح میکنم، باید از دخمه های محافل بی نقش بیرون آمد، جامعه شما را به رهبری می طلبد عزیزان من!

عقیمی میگویم خیلی عقیمی، در مقاله علی راستین در سازمانده کمونیست شماره دوم آمده است که نهادهایی هستند که علنی اند و کار کمونیستی میکنند و در محیط خود تأثیر گذارند من منکر وجود نهادهای مذکور نیستم ولی وقتی به جامعه نگاه میکنم احساس من این است که خیلی عقیمی ببینید، بزرگترین کمپین در مورد یکی از مهمترین مسایل امروز جامعه که همین بیخوانمتهای شهرها هستند را بسیجی ها راه میداند نه چپها و کمونیستها. کمیته امداد به زلزله زدگان بم را امثال رییس داتا نیمه بسیج راه میداند نه چپها و کمونیستها. نهاد دفاع از کودکان را شیرین عبادی از همه مسلمان تر در دست دارد مشهورترین چهره های دانشجویی در سطح سراسری که امروز تریبونها را در دست دارند و در مقابل دوربینها ظاهر میشوند کمونیستها و چپها نیستند متأسفانه مشهورترین شخصیتهای جامعه که همین امروز در صحنه های مختلف حضور علنی دارند کمونیستها نیستند متأسفانه من قبول ندارم که استبداد تنها مانع سر بلند کردن کمونیستها و چپهاست قبول ندارم سرکوب اسلامی مانع اصلی کار است. مانع اصلی تر آن سنتی است که جوان چپ را به سوراخ محافل میفرستد، به دنبال کارهای حاشیه ای میفرستد، دنبال بحث هر چیزی میفرستد، و از جامعه و دخالت در درد و مرگ همین امروز مهمترین مسایل سیاسی و اجتماعی دور میکند

در دانشگاه کلاه کارگر کارگر سر جوان دانشجوی چپ میگنارد، در کارخانه هم به کارگر چپ میگوید آزادی و برابری و جوان و زن و کودک و مسایل جامعه و سیاست به تو مربوط نیست، امر فقط صنف خودت است، به سیاست کار نداشته باش.

من به دانشجویی که در محافل دنبال کار تئوریک میروند ایراد نمیتوانم بگیرم، منتها مگر تئوری قرار است چه کاری یادمان دهد؟ آن تئوری که ما را به دخالت همین امروز در مهمترین مسایل نمیکشاند، پوچ است آن تئوری که ما را به سازماندهی همین امروز مردم در بعد اجتماعی نمیرساند به درد نمیخورد آن تئوری که همین امروز ما را جلوی

بگذارید اول از خودمان شروع کنیم در شروع این واقعه میبایست در مورد اقدام و کمپین هفته های گذشته که تقریباً انعکاس بسیار زیادی داشت سازمان جوانان حکمتیست اطلاعیه میداد و یا چیزی میگفت ما نباید در مورد واقعه ای که به اسم دانشجو اینهمه انعکاس پیدا میکند بی تفاوت باشیم در مورد اینکه در آن عکس العملی که نشان میدادیم چه می بایستی بگویم نمیدانم چون در این موارد دبیر سازمان جوانان حکمتیست موضع این سازمان را نمایندگی میکند نه من و این نشریه اما تا آنجا که به من مربوط است اولین کارم افشاگری از کمپین بسیجیها نمی توانست باشد در مقابل، رو به دانشجویان چپ داد میزدم که شما کجایی؟ داد میزدم که وقتی بسیجی به خیابانها افتاده است تا بیخانمانها را جمع کند، نمیتوانیم در چشمان انسان بی خانمان نگاه کنیم و بگویم در این کمپین، کار بزرگی که ما در حق تو میکنیم این است که از این بسیجی ها افشاگری کنیم! حالا هم که آن کمپین خاتمه پیدا کرده، از دست جوانان چپ و کمونیست و دانشجویانی که خود را کمونیست میدانند خیلی ناراضی ام از دست خودمان هم ناراضی ام بالاخره کار ما هم لابد اشکالاتی دارد که نتوانسته ایم این چپ را از سوراخ محافل بی تأثیر دور کنیم لابد بخشهای ما، اقدامات ما و تمام تقلائی که به خرج داده ایم نتوانسته این چپ را صاحب افق کند و وارد عرصه اجتماعی کند، به این لحاظ باید خیلی جدی به اشکالاتمان برگردیم به عنوان حزب حکمتیست که چهار ماهی از عمرمان میگذرد بد کار نکرده ایم ولی برای ایجاد یک تغییر واقعی در جامعه خیلی کار داریم، خیلی به عنوان چپ در کل جامعه اما خیلی

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

# قحط الرجال مصلحین!

## علی راستین

با اینکه انتخابات مجلس هفتم منجر به باز پس گرفته شدن آخرین سنگرهای نظام اسلامی از دست اصلاح طلبان شد، اما آن چیزی پیداست این است که جناح محافظه کار هنوز راضی نیست و بنا بر این تصفیه حساب ها با همکاران و برادران دیروز قطعاً ادامه پیدا خواهد کرد اصلاح طلبان پس از واگذاری مجلس تماماً عقیم شده اند بدین جهت که نه با اقبالی از سوی عموم مواجه اند و نه اهرم قدرتی در دست دارند اما باز هم آنان رویایی در سر دارند شاید نگاهی حسرت آمیز به گذشته است که مصلحین شکست خورده را وادار به ادامه "مبارزه" با برادران محافظه کار می کند امید به تکرار روزهای بهاری نشریات دوم خردادی، امید به پیدایش دوباره رئیس جمهوری "محبوب" و البته بیست میلیونی تمام فلسفه تقلاهای امروزه اصلاح طلبان را توضیح می دهد دوم خرداد نمی خواهد این کابوس تلخ را باور کند که مدهاست تاریخ مصرفش تمام شده است و نمی تواند به روزهای خوش گذشته برگردد آنان به دنبال تحقق امری محال می گردند و بنابراین نمی خواهند باور کنند که نظام جمهوری اسلامی که مدتها این آقایان با جان و دل کمر به اصلاح و بقایب بسته بودند، قابلیت ایجاد "جامعه چند صدایی" آنان و در واقعیت یک جمهوری اسلامی دیگر با بازی گرفتن این طفیلی ها را ندارد. برایشان باور کردنی نیست که "جامعه مدنی" حتی به شکل سرمایه داری در سایه اسلام عزیز غیر ممکن است. این کل کابوسی است که اصلاح طلبان نمی خواهند ببینند اصلاح طلبان از قدرت سیاسی جبارو شده اند و می خواهند قدرت از دست رفته را اعاده کنند، اما اینجا باز هم رسالت چند ساله خود که چیزی جز خوش خدمتی برای نظام نیست را ادامه می دهند آنان گرچه در واقع قدرت می

توانسته اند در دریای بیکران بوجه ها و بالا کشیدن ها، آب باریکه ای برای خود دست و پا کنند، هنوز به قانون مداری وفادار مانده اند و بدین جهت نمی خواهند سنگر پر فیض و برکت ریاست جمهوری را از دست بدهند اما باید از این "کودکان پرخور" پرسید با چه کسی؟ کجاست آن چهره ای که هم اصلاح طلبان روی آن توافق کنند و هم از فیلتر شورای نگهبان رد شود؟ آنان پس از جست و جوی فراوان کسی بهتر از میرحسین موسوی را سراغ نداشتند که بتوان هم روی آن توافق کرد و هم فیلتر رژیم رد شود اما به نظر می رسد که میرحسین موسوی عاقل تر از این است که خود را آلوده این آبروریزی شکست است

## درباره مجله "جوان تریبون"

### بهرام مدرسی

همانطور که در همین شماره نشریه جوانان حکمتیست به اطلاعات رسیده شده است، به زودی مجله "جوان تریبون" به سردبیری عباس رضایی، ماهانه منتشر خواهد شد. ضرورت انتشار چنین مجله ای بدو از تنوع مسایلی که مربوط به جوانان هستند ناشی شد. نشریه جوانان حکمتیست، بعنوان ارگان سیاسی سازمان طبعاً امکان آن را ندارد که به همه این مسائل بپردازد ایده اولیه انتشار چنین مجله ای مدهاست که در جلسات هیئت اجرایی سازمان میامد و میرفت و جای خوشحالی بود که برای سردبیری این نشریه رفقای متعددی کاندید بودند

عباس رضایی سردبیری این مجله را به عهده گرفت. نام زیبای مجله هم ایده او است. از طرف همه شما و خوانندگان آتی این مجله برای عباس آرزوی موفقیت دارم و همچنین همه شما را به همکاری با این مجله و سردبیر آن فراخوان میدهم

### "جوان تریبون" ماهانه از سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست منتشر میشود!

شماره اول "جوان تریبون" به سردبیری عباس رضایی در نیمه اول ماه فوریه منتشر خواهد شد "جوان تریبون" مجله ای از طرف جوانان و برای جوانان است "جوان تریبون" به مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد پرداخت "جوان تریبون" محلی برای درج اظهار نظرهای شما خواهد بود "جوان تریبون" را بخوانید و به دیگران معرفی کنید



آدرس تماس:

abbasrezaei2002@yahoo.com

### تلویزیون پرتو ۳۰ آذر (۲۰ دسامبر) شروع به کار می کند!

تلویزیون پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست. تلویزیون پرتو، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادخواه و برابری طلب است. برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دوستداران آزادی و برابری توصیه کنید. تلویزیون پرتو تریبونی از آن همه کسانی است که در خفقان اسلامی به دنبال رسانه ای باز و حقیقت جو می گردند. این برنامه ها هر دوشنبه ۱۱ تا ۱۲ شب به وقت تهران (۹ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی و ۱۲ تا ۱ ظهر به وقت امریکای شمالی) از کانال یک پخش می شود. این برنامه ها سه شنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح به وقت تهران (۷ تا ۸ صبح به وقت اروپای مرکزی) مجدداً پخش می شود.

مشخصات کانال:

Telstar 12

Freq: 11494.5 MHz  
Polarity: Vertical  
Sym Rate: 17.4687ms  
inf Rate: 24.148Mbps  
Video PID 1760  
Ahdio PID 1720  
FEC: 3/4

Telstar 5

Freq: 12.090 MHz  
Polarity: Horizontal  
Sym Rate: 20 000  
FEC: 3/4

از این سایت ها دیدن کنید:  
www.sjk-hekmatist.com  
www.hekmatist.com  
www.iskraa.com  
www.m-hekmat.com  
www.rahai-zan.com  
www.iran-tribune.com

### تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی  
bahramsjk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱  
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۲۶۱۲

سردبیر: فواد عبداللهی  
foadsjk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مشاور سردبیر: محمد فتاحی  
fatahi100@yahoo.com

مسئول خارج کشور: جمال کمانگر  
jkamangar@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

مسئول مالی: نسیم رهنما  
nasimrahnamadk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۴۲۲۸۲۴۲۴۵

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست  
Youth Communist Organization - Hekmatist

